

## **Babylonian Demons and Aramaic Giants in Manichaeism: A Textual Approach to Some Demonic Characters in Liturgical and Magical Middle Iranian Texts**

Mohammad Shokri-Foumeshi

University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: mshokrif@urd.ac.ir

### **Abstract**

The present article deals with identifying the identity and function of the divine Powers and characters in Manichaeism, which come from the Babylonian and Aramaic origins, and tries to recognize them in their interaction with pagan and Jewish mythologies. Here, we have also addressed both the demonic concepts and figures, including 't'ly', 'ydr', 'tnbyš, hwb'byš, Wzbyš, 'why', and Lwy'tyn, as well as the groups of Giants, including 'yr'n (watchers), Nephilim, and the Fallen angels, to show how Manichaean demonology was depended to the Aramaic traditions, especially to the *Book of Enoch* and the Jewish *Book of Giants*. In this study, we will not only re-recognize the Manichaean archangels, namely Rwp'yl, Myx'yl, Gbr'yl, and Sr'yl, but we will also deal with their role with the leadership of the Rex honoris, the second son of the Living Spirit, against the giants who fled to earth based on the Manichaean creation story. The article shows that the reconstruction of Mani's *Book of Giants* is highly dependent on angelological study.

**Keywords:** Manichaean demons, Manichaean giants, Manichaean angels, The *Book of Enoch*, The Jewish *Book of Giants*

---

**Received Date:** 20 September 2023

**Revise Date:** 20 November 2023

**Accepted Date:** 12 December 2023

<https://doi.org/10.22034/aclr.2023.2016155.109>



## دیوهای بابلی و غول‌های آرامی در کیش مانوی رویکردی متن‌شناسانه به برخی شخصیت‌های اهریمنی در متن‌های نیایشی و جادویی به ایرانی میانه

محمد شکری فومشی  
استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب، قم

### چکیده

مقاله حاضر به تشخیص هویت و عملکرد نیروها و شخصیت‌های دیوی با اصالت بابلی و آرامی در کیش مانوی می‌پردازد و می‌کوشد آنها را در اندرکنش با اسطوره‌های کافرکیشی و یهودی بازشناسد. در اینجا، هم به انگاره‌ها و چهره‌های اهریمنی آتالیا، ایدرا، اُننیش، هوبابیش، وزبیش، اُهیآ، و لویاتین و هم به گروه‌های غولان، ایرها، نفیل‌ها و فرشتگان هبوط کرده پرداختیم تا نشان دهیم دیوشناسی مانوی تا چه حد به سنت‌های آرامی و به ویژه به کتاب *اخنوخ* و کتاب *غولان* یهودی وابسته است. در جستار حاضر، نه تنها کلان‌فرشتگان بزرگ مانوی یعنی رفائیل و میخائیل و گبرائیل و سرائیل را باز خواهیم شناخت، بلکه به نقش‌آفرینی اینان به سرداری پادشاه افتخار در برابر یورش غولانی خواهیم پرداخت که بر اساس داستان آفرینش مانوی به زمین گریختند. مقاله نشان می‌دهد بازسازی کتاب *غولان* مانی به شدت به بررسی‌های فرشته‌شناسانه وابسته است.

**کلیدواژه‌ها:** دیوان مانوی، غولان مانوی، فرشتگان مانوی، کتاب *غولان*، کتاب *اخنوخ*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۹  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۸/۲۹  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۱

نویسنده مسئول: محمد شکری فومشی  
پست الکترونیک: mshokrif@urd.ac.ir

## ۱. مقدمه

بررسی انگاره‌های پلید و شخصیت‌های اهریمنی موضوع اصلی پژوهش‌های «دیوشناسی» در مطالعات مانوی است. اما اثری که وارد حوزه دیوشناسی مانوی می‌شود، به دلیل تماس تنگاتنگی که با مؤلفه‌های فرشته‌شناسی پیدا می‌کند، خواه‌ناخواه در اندرکنش با برخی مواد متنی مشترک، به ویژه متن‌های جادویی، نیز قرار می‌گیرد که فقط با بهره‌مندی از آنها فهم برخی عناصر فرشته‌شناسانه و دیوشناسانه ممکن می‌شود؛ فرشتگان آشکارا با عناصر جادویی و اهریمنی دست‌به‌گریبان‌اند. بنابراین، شناخت و تبیین عناصر دیوی، در حقیقت، بازشناخت عناصر و تعاملات فرشته‌شناختی نیز هست.

آگاهی‌مان از مفاهیم و چهره‌های اهریمنی مانوی بسیار اندک و گاهی تقریباً هیچ است. از این رو، جستار حاضر می‌کوشد بر اساس منابع اصیل مانوی و برخی مکتوبات اصیل غیرمانوی شماری از آن انگاره‌ها و شخصیت‌های منفی کیش مانوی را بازشناسد. اما، در اینجا، نه به آن دسته از انگاره‌ها و شخصیت‌هایی که از خود ایران بزرگ یا جهان شرق ایران برآمده‌اند، مانند یخشه‌ها (yaxšān)، پریان (parīgān)، دروجان (druxšān/ drōžān)، رخشسان (raxšasān)، مزان (mazanān)، و آسریشتاران (as(a)rēštārān)، بلکه فقط به آنهایی خواهیم پرداخت که زیرساخت آنها در میان‌رودان باستان و جهان سامی شکل گرفته و مانویت آنها را در نظامش بازتعریف کرده و سپس پذیرفته است.

## ۲. انگاره‌های شخصیت یافته

### ۲-۱. آتالیا

از میان کل متن‌های تاکنون شناخته‌شده مانوی فقط در دو قطعه پارتی M728V8 و M2755A3 از آتالیا (t'ly' یا t'ly'h' با آوانوشت ātāliyā) یاد شده است (Apud Durkin- (Meisterernst 2004, p. 5a). این واژه دانشورانه<sup>۱</sup> از آرامی - سریانی ātālyā می‌آید (Pirtea, 2017, p. 535 ff). متخصصان آن را اصطلاحی نجومی می‌دانند که نمادش اژدهایی آسمانی و عامل گرفتگی خورشید و ماه است؛ عاملی که روی سعد و نحس شدن امور تأثیر می‌گذارد.<sup>۲</sup> در واپسین ماه‌های ۲۰۱۷ مقاله‌ای در یادنامهٔ ورنر زوندرومان منتشر شد که تحقیقات گذشته در

1. Terminus technicus

۲. در این باره نک. مقالهٔ مشترک رک و زوندرومان (Sundermann & Reck, 1997 [1998], p. 22). «گوزهر» (gōzihr) در ادبیات پهلوی مانند بندهشن متأثر از این انگاره است (Sundermann & Reck, 1997 [1998], p. 22).

این زمینه را به چالش کشید. آدریان پیرتا در مقاله‌اش نشان داد که واژه 't'ly' (h) در متن‌های مانوی، برخلاف تصور، نام یک اژدهای آسمانی نیست. طبق پژوهش او، واژه آتالیا در اصل از بابلی attalû به معنی «حجاب، نقاب، پرده، پوشش، جامه» اقتباس شده و از آن «گرفتگی» خورشید و ماه (کسوف و خسوف) اراده می‌شده است.<sup>۱</sup> وی در بررسی مفصلش نشان داد که تحول معنایی و نمادپردازی آتالیا به شکل یک اژدها بعدها در سده ۶-۷م. بود که در ادبیات سریانی اتفاق افتاد (Pirtea, 2017, p. 535-549, esp. 547). این تحول می‌تواند در مکتوبات مانوی نیز تسری پیدا کرده باشد.

به‌زعم مانویان، آتالیا (کسوف: خورشیدگرفتگی یا خسوف: ماه‌گرفتگی) دو کشتی/گردونه خورشید و ماه را می‌پوشاند تا از ورود ارواح پاک در گذشتگان و روشنی‌های پالوده به آنها ممانعت کند، که در این صورت، فراخواندن فرشتگان جادوستیز و خواندن اورادی جهت دور نگاه داشتن آتالیا از این دو منزلگاه روشنی ضروری بود.

## ۲-۲. ایدرا: دیو تب (و لرز)

یکی از نکته‌های چشمگیر در متن‌های جادویی مانوی اشاره کاملاً برجسته این متن‌ها به بیماری تب است. این پرسش که چرا این موضوع تا این حد برای مؤمنان مانوی اهمیت داشته، بر صاحب این قلم روشن نیست. با این حال، وجود دیو تب در داستان گیلگمش<sup>۲</sup> تأمل‌برانگیز است و توجه را به خاستگاه این باور در موطن خود مانی معطوف می‌کند. در این داستان مشهور، علت مرگ انکیدو (دوست گیلگمش) «دیو تب» است: «انکیدو آسود و شیطانی به سراغ او آمد، دیو تب سر او را فراگرفت» (Smith, 1872/2004, p. 61-62: Gilgamesh, 7). از آنجا که در کتاب غولان یهودیان قُمران (QG9/12/)، گیلگمش (glgmyš) نقش ایفا می‌کند،<sup>۳</sup> طبیعی است که تصور کنیم میان دیو(ان) تب و داستان گیلگمش نیز رابطه وجود داشته است. اکنون بر ما معلوم است که فرشتگان بلاگردان تب (tb) همان فرشتگانی هستند که نامشان در کتاب غولان مانی نیز می‌آید و تب تنها عارضه اهریمنی است که از آن در قطعات باقی‌مانده کتاب غولان یاد شده است.<sup>۴</sup> شمار افسون‌هایی مانند دست‌نویس فارسی میانه M781+ (Morano, 2004, p. 222-)

۱. سنج. M728V8، (خورشید یا ماه) «آتالیا پوشد» ('t'ly' pdmwyd).

۲. با سپاس از دوستم داود خزایی برای اشاره به این نکته مهم.

3. As [g]lgmyš in QG9/12/, apud Reeves, 1992, p. 60. See also Dalley, 1991, p. 23ff.

4. See Sundermann, 1984, p. 497: S I 0/120Iv8: 'c zmyg tb 'y'pt.

دیوهای بابلی و غول‌های آرامی در کیش مانوی..... ۵

(223) که علیه دیوان تب و لرز نگاشته شده، در جامعه مانوی کم نبوده است.<sup>۱</sup> در M781Ir5 دیو تب یا روح دیو تب 'ydr' (idrā) «ایدرا» خوانده شده است.

در یکی از دست‌نویس‌های قبطی بنیاد پاپیروس‌شناسی هایدلبرگ<sup>۲</sup> (P. Heid. Inv. Kopt.) (685) با عنوان «کتاب جادویی مریم و فرشتگان» که متنی جادویی است و در مصر کشف شده، همانند قطعه مانوی M1202، هم از «نام و نیروی فرشته بزرگ میخائیل» یاد شده و هم از نیروی صباوت (Šabaōt) «سپاه فرشتگان». نکته مهمی است که این متن، افسونی ضد تب و لرز است (Meyer, 2013, p. 359). در این متن نه فرشته به همراه عیسی و مریم فراخوانده شده‌اند تا فرد طلسم‌شده را از درد و بیماری نجات بخشند. نکته مهمی است که هدف و گونه ادبی و حتی طرز بیان این متن قبطی دقیقاً همان است که در متن‌های جادویی مانوی دیده می‌شود. احتمالاً قطعه فارسی میانه و جادویی M4625 را نیز که از آن فقط دو واژه مهم «تب» و «عیسی» باقی مانده باید در چنین ساختاری تفسیر کرد. با این همه، نباید از تشابه عجیبی که میان دو ادبیات زرتشتی و مانوی وجود دارد، غفلت کرد. در اردیبهشت‌یشت ۸، ۱۱ و ۱۵ (Dustkhāh, 2006, pp. 289-292 و در وندید/ ۲۰: ۱-۳، ۶-۷ و ۹ (Dustkhāh, 2006, pp. 878-875) از بیماری تب یا دیوانی که آن را بر مردمان عارض کنند، به شدت دوری خواسته شده است. وجود دیو تب (تب‌دیو) در گزیده‌های زادسپرم ۸: ۱-۲ (Amuzgar & Tafazzoli, 1996, p. 123) Bahar, 1997, p. 245; به هنگام زایش زرتشت یا «افسون تب» در روایت پهلوی ۶۳: ۱-۶ (Mirfakhraee, 1988, pp. 80-81) گواه‌های مهمی هستند که این اندیشه در ادبیات پهلوی نیز استمرار داشته است، اگرچه اصالت این عنصر در ادبیات متأخر پهلوی چالش‌برانگیز است و در پژوهشی جداگانه باید به دقت بررسی شود. با همه این احوال، اکنون شاید بتوانیم دفاعیه مانوی نزد بهرام یکم شاهنشاه ساسانی را بهتر درک کنیم که بدو گفت:

M3V12-23:

(12) (mn) pd 'šm'h tyswc (13) ny wyns[t] °° (cym) myšg kyrbggy (14) kyrd pd 'šm'h 'wt'n pd (15) twhmg'n °° 'wd ws 'wd pr(h)y (16) bng 'y 'šm'h kym dyw (17) drwxš 'cyš b(°) [bwr](d) °° 'w[d] (18) ws bwd hynd °° k[ym] 'c (19) wy(m)'ryh 'xyzn'd [h](y)nd °° w̄ (20) ws bwd hynd ky[m] tb (21) 'wd rrz 'y cnd (s)[']rg 'cyš (22) 'n'pt °° 'w[d ws bwd] hynd (23) [k]y 'w mrg md 'wmy[š'n ... (Henning, 1942, p. 950 [90]; Boyce 1975: 45, text n: 3; Powered by Durkin-Meisterernst 2019)

۱. کُشه (Kósa, 2011, p. 17-22) به شباهت آیین‌های شمعی در برخی آیین‌های مانوی چینی پرداخته است.

2. Institut für Papyrologie in Heidelberg

من به شما هیچ بدی نکردم؛ چه، همیشه کرفه کردم به شما و خاندان شما؛ و بسیار و فراوان بنده شما که من دیو و دروج از آنها ببرد و بس بودند که از بیماری خیزاندم و بس بودند که تب و لرز چندساله از آنها دور کردم و بس بودند که به مرگ آمدند و من ایشان را [نجات دادم]...

### ۳. سه غول کافرکیشی / میان‌رودانی

#### ۳-۱. هوبابیش

نام «هوبابیش» (hwb'byš) با آوانوشت احتمالی (hōb(b)ābēš) تاکنون دو بار در قطعات سغدی کتاب غولان مانی تأیید شده است.<sup>۱</sup> (hwbbs) در کتاب غولان قمران (QG11, III3) ویراسته ریوز، (Reeves, 1992, p. 60) همین hwb'byš در قطعات کتاب غولان مانی است (Schwartz, 2002, p. 233 f). مدت‌ها پیش، یوزف تادئوس میلیک<sup>۲</sup> hwb'byš در متن‌های مانوی و hwbbs در تومارهای قمران در کرانه دریای مرده را همان غول نامدار اسطوره‌های بابلی «هومبابا» (Huwawa یا Humbaba)،<sup>۳</sup> که گیلگمش به‌همراه انکیدو با وی می‌جنگد، دانسته بود (Milik, 1976, p. 300 ff, apud Reeves, 1996, p. 115) این نکته مهم کمتر دیده می‌شود که مانی بی‌تردید با اسطوره‌های موطن خویش بابل کاملاً آشنا بوده و آنها را با آموزه‌اش درآمیخته است.

#### ۳-۲. آتنبیش

از «آتنبیش» (tnbyš) با آوانوشت احتمالی (atnabēš)،<sup>۴</sup> که همان سریانی tnpš است (Schwartz, 2002, p. 237)، سه بار در قطعه فارسی میانه M5900<sup>۵</sup> یاد شده است.<sup>۶</sup> ریوز در مقایسه زوندرمان<sup>۸</sup> میان این شخصیت<sup>۹</sup> در کتاب غولان مانی و فرشته تامیئیل (Ethiopian: Tāmī'ēl, Ṭahū-'ēl, Greek: Ταμηήλ) در روایت حبشی کتاب اخنوخ (1 Enoch 6:7) تردید

1. In: M101jR2, as hwb(')byš, Henning, 1943, p. 57 [120], A, 24; In: Ōtani7447+7468R4, as [xwβ](')βyš; Kudara, Sundermann & Yoshida 1997, text vol.: 139 (also listed by Morano, 2011, p. 107, as text Zs2)

2. Józef Tadeusz Milik

۳. نیز به شکل «خومبابا، خومبابا، خُواوا، خُواوا» (huwawa, hūmbaba)

4. Cf. Goff, 2009, p. 25 f, no. 9; and 52-53.

5. Durkin-Meisterernst 2004: 58a: /atnabiš/, /utnabiš/.

6. Sundermann 1973: 78 and no. 1.

۷. درباره نام اتنبیش نک. Schwartz, 2002, p. 237.

8. Sundermann, 1973, p. 78 no. 1.

۹. زوندرمان (Sundermann 1973: 78 no. 1) نام‌واژه tnbys را به صورت اتنبیش / آتمبیش (Atanbiš, Atambiš) آوانویسی می‌کند.

دیوهای بابلی و غول‌های آرامی در کیش مانوی..... ۷

کرده است (Reeves, 1996, p. 115). او ضمن یادآوری حضور هومبابا و گیلگمش و اوتنپیشتیم (Utnapishtim) در پیکره اصلی داستان بابلی طوفان و حضور دو شخصیت نخست در کتاب *غولان قمران*، به ترتیب به شکل *glgmyš* و *ḥwbbš*<sup>۱</sup> احتمال می‌دهد که آتنپیش مانوی بازتاب متأخری از اوتنپیشتیم است (Reeves, 1996, p. 115). او در سنت مانوی یک غول است (Morano, 2011, p. 102).

### ۳-۳. وزبیش

در سراسر مکتوبات مانوی، واژه *wzbyš* فقط یک بار و آن هم در ابتدای صفحه دست‌نویسی آمده که صفحه پیشین آن از میان رفته است. در آغاز قطعه جادویی M5568R1-2 در جمله‌ای ناقص می‌خوانیم: *wzbyš ky pd w'c 'y drwxš'n xwnyhyd*: «... وزبیش که با کلام/ ذکر دروجان فراخوانده شود» (Morano, 2004, p. 225). از نظر نسخه‌شناسی، نویسه «واو» آغازین این واژه درشت و خوشنویسانه است و بنابراین بعید به نظر می‌رسد این کلمه نیمه دوم واژه‌ای باشد که نیمه نخست آن در صفحه از میان رفته پیشین بوده باشد. این واژه یا فرمی نزدیک به آن در مدارک دیگر دیده نمی‌شود. مورانو آن را به صورت *Ozbīš* آوانویسی می‌کند (Morano, 2004, p. 225). معمولاً کاتب مانوی برای نگارش یکی از چهار واکه کوتاه یا بلند *o* و *ō* و *u* و *ū* در موقعیت آغازی از الف آغازی بهره می‌برد.<sup>۲</sup> از این رو، آوانوشت این نام به احتمال با همخوان *w* «واو» آغاز می‌شده و بر این اساس، احتمالاً *wzbyš* به صورت *wa/i/ezbēš* تلفظ می‌شده است. بافت متن چنان است که به نظر می‌رسد *wzbyš* یا به یک انگاره پلید اشاره دارد یا به نام یک شخصیت شرور، یک دیو یا یک غول. به نظر می‌رسد خاستگاه این شخصیت در اسطوره‌های میان‌رودانی است.<sup>۳</sup>

### ۴. غولان آرامی

#### ۱-۴. گروه ایرها، غولان، و سقطشدگان

نخستین اثری که از *lyr* (ایر) و صورت جمع آن *lyryn* (ایرین) «دیده‌بانان، نگاهبانان،

1. [g]lgmyš (e.g., in: QG9/12/, apud idem 1992, p. 60); ḥwbbš (e.g., in: QG11/III/3/, apud Reeves, 1996, p. 115) For more detailed references see Stuckenbruck, 1997, p. 212 no. 3.

2. Cf. Boyce, 1975, p. 15.

3. اگرچه ممکن است پیشنهاد شود *wzbyš* به احتمال از همان ریشه‌ای می‌آید که عبری *byš* (بیش) «شرور، پلید، اهریمنی» (cf. Shaked, Ford & Bhayro, 2013, p. 286).

4. در فارسی میانه فرم *yr* اما با آوانوشت *ēr* که گاهی به صورت *yr* نیز ظاهر می‌شود، قید و به معنی «زیر، پایین» است (Durkin-Meisterernst 2004, p. 99b). اما در پارتی مانوی همین فرم *yr* با آوانوشت *īr* اسم و به معنی «چیز»

محافظان» یاد کرده کتاب/خنوخ است (Enoch 6-36). برابر نهاد سریانی این واژه «yr» (در لغت: باشنده های) بی خواب، بیدار؛ (با کاررفت ویژه برای) فرشتگان (به معنای مَلک، و همچنین فرشتگان هبوط کرده/ فروافتاده/ ساقط شده» (Pedersen, 2017, p. 194 and 196-197) و هم ارز یونانی آن εγρήγορος (egrēgoros) و صورت جمعش εγρήγοροι (egrēgoroi) «دیده بانان، نگاهبانان، محافظان»، (Sundermann, 1994, p. 48) به «فرشتگان هبوط کرده» ای اشاره داشت (Asmussen 1984, web page; ) که از آسمان به زمین آمدند/ فروافتادند و با دختران آدمیزادگان در آمیختند. مانی داستان اینان در عهد عتیق (پیدایش ۶: ۴-۱؛ دانیال ۴: ۱۳، ۱۷، ۲۳) و کتاب/خنوخ را نیک می شناخته و از آن در تدوین کتاب غولان خود بهره برده است. اما این بهره ستانی بی گمان ترجمه و اقتباس صرف نبود. مانی نمی توانست εγρήγοροι و «پسران خدا» (B'nē- hā-Elōhīm؛ فرزندان فرشتگان هبوط کرده و دختران آدمیان) را به همان نحو که به ترتیب در سفر پیدایش و کتاب/خنوخ بودند در نظام نوینش بپذیرد. از نظر او، نه آنان و نه دیگر قدرت های شرّ و غول های انسان نما (Taqizadeh, 1956, p. 62) نمی توانستند از منبع خیر آمده باشند (Henning, 1943, p. 53). کتاب قبطلی کفلا یا نیز (برای نمونه، در: IKeph. 38, p. 93: 23-28) همان واژه یونانی εγρήγορος (به شکل n-egrēgoros) استفاده کرده است. اما ایرانیان مانوی برای yr برابر نهادی ایرانی در نظر نگرفتند. این مطلب را از آنجا می دانیم که yr به موازات q'w «کو، غول» در قطعه فارسی میانه M625cVi3 و صورت جمع آن 'yr'n/ 'yryn در کنار qw'n «گوان، غولان» در قطعه M5900A12 آشکارا به کار رفته است.<sup>۱</sup> به احتمال همین هم نشینی با واژه ایرانی k'w/kw بود که منجر به حذف آرامی yr از گنجینه لغات دانشوران ایرانی مانوی شد.

برابر نهاد یونانی «کو، غول»، γίγας (gígas)<sup>۲</sup> بوده است، زیرا روایت ایرانی کتابی که مانی در آن

W. B. Henning apud (Durkin-Meisterernst 2004, p. 99b) و برابر با xyx در فارسی میانه است (نک. Boyce 1952: 446 no. 5).

۱. صورت جمع [yr'](n) را زوندرمان (Sundermann 1973: 75, § 1562) بازسازی کرده است. آن گونه که وی در جایی دیگر تفسیر می کند (Sundermann, 1994, p. 42)، ممکن است فارسی میانه m'zyndr'n (māzendarān) «مازندران» (غول های مازندر) جزء همین گروه از نیروهای اهریمنی بوده باشند.

2. Giant



داستان‌های اخنوخ‌ی غولان را نگاشت و به فارسی میانه و پارسی /k(ʷ)n /kawān/ (با برابر نهاد سغدی /kw(ʷ)yšt /kawišt/ (Sims-Williams & Durkin-) 1995 §4998-5001; Gharib) یعنی کتاب «غولان»، خوانده شد در یونانی به γίγαντες (gígantes) معروف بود. با این حال، عنوان عربی این اثر معروف به «سِفِرُال-جَبَابِرَه» (Reeves, 2011, ) (Taqizadeh, 1956, p. 62; see also Reeves, 2011, ) p. 90-93 (sefr al-)gābābira نشان می‌دهد که عنوان اصلی و سریانی این اثر به احتمال گabbārē (Henning, 1943, p. 53; Sundermann, 2001; Kósa, 2016, p. 145 no. 4) یا کتاب «جَبَّارَن» (سِنج. gibbōrīm «رزمجویان» (Doak, 1992, p. 53; see also Doak, 2016, p. 31) بوده است؛<sup>۱</sup> همان واژه‌ای که از آن «غولان» اراده شده و بر این اساس آن کتاب را به یونانی γίγαντες (و به تبعیت از آن در قبطی n-gigac<sup>۲</sup>) و به ایرانی میانه kawān نامیده‌اند. با این حال، مایلم در اینجا واژه دانشورانه آرامی - سریانی šlyt' را که پدرسن همان «آرخون‌ها» در نظر می‌گیرد (Pedersen, 2017, p. 197)، با هزارش پهلوی ŠLYTA یعنی با فارسی میانه زرتشتی [pādixšā(y)] p't/dxš'(y) «نیرومند، مقتدر؛ (مجاز برای) پادشاه» (MacKenzie, 1971, p. 63) مقایسه کنم (سِنج. gabbārē و gibbōrīm در بالا). این مقایسه به این معناست که مترجمان ایرانی کتاب غولان مانی (و حتی به احتمال زیاد خود او) نگاهی معناشناسانه به اصل ایرانی واژه «کَو» (kaw) نیز داشته‌اند؛ همان‌گونه که gabbārē در آرامی نشان می‌دهد. به باور من، نگاه چکیده چینی مانوی (Monijiao) 摩尼光佛教法儀略 [dali shi] 大力士 به این اثر به مثابه «کتاب قهرمانان نیرومند» (Haloun & Henning, 1952, p. 195) یا «کتاب بزرگ‌جنگاوران قدرتمند» (Kósa, 2016, p. 146) پرمعناست.

اما آن دسته از نیروهای پلید که در زبان مادری مانی به yht' [yakhtē] «سقط‌شدگان»<sup>۳</sup> معروف بودند<sup>۴</sup> گاهی هم‌ارز گروهی از شیاطین عهد عتیق معروف به ַפִּילִיִּם (nephilim, nefilim) (Henning, 1943, p. 53 and 68, sv. Text G; Lieu, 1999, p. 280; ) (nāfīlīm, nefīlīm

1. Cf. Pedersen, 2017, p. 195.

2. E.g. in: *1Keph.* 32, p. 85: 33; and *Hom.*, 25, p. 4.

3. Cf. Lieu, 1999, p. 280; And yxš'n, in: M1202R8.

<sup>۴</sup>متفاوت با (egrēgoroi) ἐγρήγοροι و همچنین دسته‌ای دیگر از قدرت‌های اهریمنی موسوم به «آرخون‌ها» (سریانی e.g. *1Keph.* 6, p. 30: ) n-arxwn و قبطی ἄρχωντες برابر با یونانی (rkwn' جمع ؛ rkwn' [arkhonatā] (Ibn Nadim, 2002, p. 588). (برای نمونه در الفهرست این ندیم، نک.

214 (Reeves, 1992, p. 196; Reed, 2005, p. 214) در نظر گرفته می‌شدند.<sup>۱</sup> مترجمان فارسی میانه آثار مانوی به احتمال برای این واژه دانشورانه بود که برابر نهاد 'bg'ng «افغانه، سقط‌شده»<sup>۲</sup> و مترجمان سغدی مانوی نیز برای آن 'k'pš' («سقط (جنین)») (Gharib 1995 §7481; Sims-) (Williams & Durkin-Meisterernst 2012, p. 149b) را برگزیدند؛ اگرچه این گمانه‌زنی به دلایل نامشخص ماندن روابط واژگانی میان متن‌های «اصل» و «ترجمه» اثبات‌پذیر نیست. با این حال، از آنجا که در یکی از روایت‌های ایرانی کتاب *غولان مانوی* (M312V18 ff.) روایت اخنوخ‌ی طغیان‌گری‌های «نفیل‌ها» در قالب شورش «دویست دیو» (dwsd dyw'n) بازتاب پیدا کرده و در M5750Vi12-vii2-6 نیز «دیوان» (dyw'n) همان 'bg'ng'n «افگانگان، فروافتادگان، سقط‌شدگان» خوانده شده‌اند - یعنی نفیل‌ها و سقط‌شدگان و دیوان و غولان یکسان تلقی شده‌اند - چنین به نظر می‌رسد که گاهی مرزهای باریکی که واقعاً میان معانی این واژه‌های دانشورانه وجود داشته از سوی همگان به دیده اغماض نگریسته می‌شده است؛<sup>۳</sup> بماند که گاهی ممکن است موضوع «تطابق واژه و معنا» در این گونه واژه‌ها در حقیقت صرفاً به نوع، جنس، و روش برداشت‌ها، گرده‌برداری‌ها، استدلال‌ها، و رویکردهای استنباطی مربوط باشد.

اما نه تنها میان 'yr'n/ 'yryn و 'kw'n و dyw'n از یک سو و nephilim از سوی دیگر تفاوت وجود داشت، بلکه خود این سه واژه نیز دقیقاً مانند هم نبودند. کاربرد سهوی این لغت ظاهراً به عصر خود مانوی بازمی‌گردد که گویا 'nephil' (مفردِ nephilim) را با 'nephel' (مفردِ nephalîm) (Henning, 1943, p. 53 and 68, sv. Text G; Lieu, 1999, p. 280) «عقیم، سترون؛ مُرده به دنیا آمدن؛ سقط (جنین)» (ἔκτρομα) - یعنی با واژه‌ای با معانی تاحدودی نزدیک به هم اما در حقیقت متفاوت - یکی در نظر گرفت (Henning, 1943, p. 53, and Lieu, 1999, p. 280) به نظر من، او هم «هبوط‌کردگان» (nephilim) را با «افگانگان، فروافتادگان، سقط‌شدگان» (nephalîm) یکسان تلقی کرد هم nephalîm را با yakhtē؛ یکسان‌انگاری‌ای که ظاهراً از روی عمد بوده است. «سقط‌شدگان» - دست‌کم در مکتوبات مانوی - جانوران و حیوانات‌اند، نه غولان و نفیل‌ها که در مقام فرشته اما رانده از آسمان‌اند. اینان به‌راستی «فرشتگان هبوط‌کرده» بودند (Ford, 2014, p. 48)؛ و از این رو، عجیب نیست که نام برخی از

1. See, esp., Doak, 2016, p. 17 ff.

2. E.g. in M312V17; See also Durkin-Meisterernst 2004: 10a. cf. ghwdg'n, in Henning, 1943, p. 67, no. 2; and Durkin-Meisterernst 2004: 162b, sv. ghw-.

۳. مورانو شیوه کار مترجمان متن‌های فارسی میانه و پارتی و سغدی را نشان داده است (Morano, 2014, p. 87-88).

آنها با پسوند  $\bar{e}l$ - همراه باشد<sup>۱</sup> و دیوی چون نبرائیل ( $nbr'y\bar{l}$ ) یا «نمرائیل» ( $nmr'y\bar{l}$ )، مادر اهریمنی آدم و حوا (Lieu, 1999, p. 281)، در شمار یکی از آنان قرار گیرد!<sup>۲</sup> در آموزه مانوی، دشمن اصلی این نیروهای اهریمنی<sup>۳</sup> دومین پسر روح زنده یعنی پادشاه افتخار (باهرگ‌بد، آسمان‌شاه) و چهار کلان‌فرشته رُفائیل و میخائیل و گبرائیل و سرائیل هستند.

#### ۲-۴. اُهیَا و لویَاتین

در قطعه پارتی مانوی M35V12-13 در کنار نام فرشته رُفائیل از دو غول به نام‌های اُهیَا ( $'why'$ ) و لویَاتین ( $lwy'tyn$ ) یاد شده است (Henning, 1943, p. 71, ll. 30-31). متن که اصلی آرامی دارد، کمی مبهم به نظر می‌رسد، اما بی‌تردید به کشته‌شدن اُهیَا (در اسناد قمران  $QG6 <6Q8 1 + 1Q23 1.29>$ ؛ نیز به صورت  $'why'$  Reeves, 1992, p. 59, l. 2) به دست لویَاتین و در پی آن کشته‌شدن غول یادشده به دست رُفائیل (M35V13) اشاره دارد.<sup>۴</sup> لویاتان<sup>۵</sup> که غول بزرگ دریایی عهد عتیق است،<sup>۶</sup> به احتمال همان «غول دریایی» ( $IKeph. 44$ , p. 113) (31: 115-29 است که مانی در باب او در فصل چهارم و چهارم کفالا یای قبلی<sup>۷</sup> سخن گفته است.<sup>۸</sup>

#### ۵. غولان، فرشتگان، و پیوندشان با کتاب غولان مانی

اگر تصور کنیم رویکرد ضدیهودی مانی مانعی برای اقتباس‌هایش از عناصر یهودی بوده بر راهی ناصواب قدم گذاشته‌ایم. به دیگر سخن، ذهنیت مانی از موسی و یهودیت به مثابه دین پیامبری دروغین با اندیشه‌های یهودی‌ای که روی او تأثیر گذاشته ارتباط ندارد؛ یهودیت بی‌گمان تأثیرهایی ژرف بر اندیشه‌های مانی گذاشته است، حتی اگر قول ویدنگرن را بپذیریم، «در جهت مخالف» (Widengren, 1965/1997, p. 20).

۱. به دیگر سخن، نباید انتظار داشت هر موجود تجریدی در فرشته‌شناسی مانوی که نامش با چنین پسوندی ختم می‌شود، لزوماً موجودی از دنیای روشنی است.

۲. نام دیگرش پیسوس (Pēsūs) و زوجه اشقلون (Syriac: Ašaqlūn; Middle Iranian: Šaklūn/Šaqlūn; Greek and Latin: Saklas) است. برای ارجاعات نک. Sundermann, 1979, p. 99 and 103.

۳. برای یک پژوهش دامن‌گستر در باب نیروهای اهریمنی در منابع چینی مانوی نک.

Kósa, 2013, p. 27 ff.

۴. شروو (Skjærvø, 1995, p. 198 ff) به بررسی این داستان در مقایسه با اسطوره‌های ایرانی پرداخته است.

۵. در اسناد موجود قمران، نام لویاتان دیده نمی‌شود.

۶. نک. ایوب ۴۱: ۱ به بعد. برای توضیحات مختصر درباره او نک. Hawkes, 2004, p. 773.

۷. E.g. in: *IKeph.* 44, p. 114: 12; p. 115: 1 etc. See also *IKeph.* 48, p. 122: 24; Gardner, 1995, pp. 127-132.

۸. او همان  $mz\bar{n} 'y zrh\bar{y}g$  «غول دریایی» در متن‌های ایرانی میانه مانند M544 است (Skjærvø, 1987, p. 191) (ff).

یکی از آن حوزه‌ها که مانی تحت تأثیر آن قرار گرفت اقتباس‌های او از داستان‌های کتاب *اخنوخ* (*IEnoch* یا نسخه حبشی کتاب *اخنوخ*) بود. از سال ۱۹۷۱ به بعد، پژوهش‌ها نشان داد که مانی بی‌گمان با کتاب *غولان* یهودی آشنا بوده (Milik, 1971, p. 117 ff.; see also Pedersen, 2017, p. 187) و در نوشتن کتاب *غولان* خویش، که آن را در اصل به آرامی شرقی/ سریانی نوشته اما فقط ترجمه‌هایی از آن به زبان‌های دیگر باقی مانده (Henning, 1943, pp. 52-53)، تحت تأثیر مستقیم آن بوده است. در واقع، کتاب *غولان* یهودی‌ای که مانی از آن بهره برد خود روایتی از فصل «دیده‌بانان» کتاب *اخنوخ* (۳۶ فصل نخست آن) بود که قطعاتی از آن (برای نمونه، 4QEnGiants) در قمران (Martínez, 1992, pp. 97-99) کشف شده است؛ فصلی که خود از فصل ششم سفر پیدایش عهد عتیق الهام گرفته بود (نک. بخش ۳). گواه‌هایی از منابع ایرانی مانند قطعه فارسی میانه M299a (Henning, 1943, p. 27) در دست است که نشان می‌دهد مانی *اخنوخ/ حنوخ* (hwnwx)<sup>۱</sup> و دست‌نشته (dst-nbyg) او و داستان‌های گنج‌انیده در آن را نیک می‌شناخته است.

موضوع فرار و شورش *غولان* و نفیل‌ها (نک. بخش ۳) (*IEnoch* 6: 1-2; 7-8; 9: 8; 17: 1; )<sup>۲</sup> از آسمانی که دومین پسر روح زنده (مهر ایزد) به نام پادشاه افتخار موکل بر آن است، افزون بر *کفالایای* قبطی (1Keph. 38, p. 93: 23-28)، در دست‌نوشته‌های فارسی میانه و پارسی و سغدی و ترکی نیز بازتاب پیدا کرده است.<sup>۳</sup> هنگامی که در آغاز آفرینش جهان ساخته می‌شد پادشاه افتخار دیوان را در آسمان به بند کشید تا دیگر شرارت نکنند. اما دویست تن از آنان گریختند و در زمین فتنه‌ها کردند. نه تنها قطعه M312 که ترجمه پارسی بخشی از کتاب *غولان* و راوی طغیان نفیل‌ها در قالب شورش «دویست دیو» (dwsd dyw'n) است، بلکه قطعه پارسی M35 نیز غیرمستقیم نشان می‌دهد که کلان‌فرشتگان رؤائیل و میخائیل و گبرائیل و سرائیل طلایه‌داران سپاه روشنی کتاب *غولان* مانی بوده‌اند. «چهار فرشته» ای (iv fryštyt) که در قطعه سغدی M7800I با دویست دیو درمی‌آویزند بی‌تردید همین کلان‌فرشتگان هستند (Henning, 1943, pp. 68-69). هم‌چنان که *کفالایا* نشان می‌دهد، همین چهار فرشته بودند که با دیوان شورش برآویختند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> hwnwx «حنوخ» در مدارک تورفان (Durkin-Meisterernst 2004: 194a)؛ و n-enwx در *کفالایای* قبطی ۱۲: ۱۲ (1Keph. 1, p. 12: 12, in: Polotsky & Böhlig, 1934-1940, p. 12. Gardner, 1995, p. 18). سنج.

<sup>۲</sup> *hwnwx* در اسناد قمران، QG8(4QEnG1a 8) منتشر شده در: Reeves, 1992, p. 59.

<sup>۳</sup> *IEnoch* 6: 1-2; 7-8; 9: 8; 17: 1; *Genesis* 6: 2, 11-12; *Jub.* 5: 1, 5; 5: 2-3

<sup>۴</sup> For texts and references, see Morano, 2011, p. 102 ff.

4. See e.g., 1Keph. chaps. 38, 45, 135, etc.

از این رو، دست‌نویس‌هایی که از اینان یاد کرده‌اند، اگرچه گاهی فریبده‌اند باید به دقت بررسی شوند. یکی از این قطعاتِ نظرگیر دست‌نوشتهٔ فارسی میانهٔ M5900 است. در این متن که از اَتَنبیش (tnbyš' نک. بخش ۲-۴) و دیوهای مازندر (m'zyndr'n) یاد شده، «فرشتهٔ بزرگ» (M5900B9: prystg 'y wzrg) در برابر ایرها (yr'n) و غولان (qw'n) قرار گیرد (نک. بخش ۳) و «گوشت‌چوندگان» (jwy'g'n 'y pyt) را بکشد (M5900B8-12). در متن‌های نیایشی و جادویی مانوی، عنوان «فرشتهٔ بزرگ» هم برای فرشته میخائیل به کار رفته هم برای فرشته یاکوب. اما در متن‌های جادویی آرامی فقط میخائیل است که «فرشتهٔ بزرگ» است. بافتار و واژه‌های دانشورانهٔ دست‌نویس M5900 نشان می‌دهد که متن آن از یک الگوی آرامی پیروی می‌کند. از این رو، گمان می‌کنم این عنوان در اینجا به میخائیل اشاره دارد.

## ۶. نتیجه‌گیری

در ابتدای این جستار دیدیم که دیوشناسی مانوی در پیوند مستقیم با فرشته‌شناسی است و بدون شناخت تعامل و اندرکنش طبیعی میان این دو دامنه امکان ندارد بتوان به درک درستی از دیوشناسی یا فرشته‌شناسی مانوی دست یازید.

برای شناخت برخی مفاهیم و مصادیق اهریمنی در مانویت، ابتدا به واژهٔ سریانی «آتالیا» پرداختیم تا نشان دهیم چرا مانویان برای رفع خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی به فرشتگان نیاز می‌بردند. مدارک گویای آن‌اند که مراد از آتالیا در متن‌های ایرانی مانوی در اصل «گرفتگی» خورشید و ماه (کسوف و خسوف) است، نه نام ازدهایی آسمانی که تاکنون تصور می‌شد؛ آتالیا نماد آن انگارهٔ اهریمنی است. مانویان جهت دور ماندن از شرّ آتالیا که روپوشی بر خورشید و ماه است و از ورود روشنی‌های پالوده به آنها جلوگیری می‌کند از فرشتگان بلاگردان یاری می‌جسته‌اند. در اینجا همچنین نشان داده‌ایم که برجسته‌ترین بیماری در جادونوشته‌های مانوی که مؤمنان دین روشنی می‌کوشیدند با فراخوانی فرشتگان بلاگردان و اوراد شمعی به دفع آن پردازند، تب است. بسیار چشمگیر است که تب مهم‌ترین عارضهٔ اهریمنی هم در داستان گیلگمش است و هم در کتاب *غولانِ مانوی*.

در این مقاله، نه تنها بر اساس عهد عتیق و کتاب *اخنوخ* به جزئیات مهمی در باب گروه‌های دیوی ایرها و غولان و سقط‌شدگان (نفیل‌ها) و فرشتگان سقط‌شده/هبوط‌کرده اشاره کردیم و حضورشان را در بافتار متن‌های ایرانی میانه ردیابی کردیم، بلکه در نهایت کوتاه‌سخنی به سه نیروی اهریمنی به نام‌های وزیش و اَتَنبیش و هوبابیش با اصالت میان‌رودانی و دو غول آرامی -

یهودی به نام‌های اوهیا و لویاتین نیز پرداختیم و نشان دادیم که اثنابیش، برخلاف برخی دیدگاه‌ها، نه قابل‌سنجش با هوبابیش بلکه بازتاب متأخری از اوتنابیشیم بابلی و هوبابیش در متن‌های مانوی همان هوبابیش/ هوبابیش در کتاب *غولان قمران* یا در اصل همان هومبابای بابلی است. این بررسی نشان داد دشمن اصلی *غولان* و *نفیل*‌ها در آموزه مانوی دومین پسر روح زنده، پادشاه افتخار (پاهرگ‌بد، آسمان‌شاه)، و چهار کلان‌فرشته *رفائیل* و *میخائیل* و *گبرائیل* و *سرائیل* هستند. در واقع، یکی از هدف‌های این مقاله آن بود که تشخیص دهد کدام فرشته ممکن بود در دست‌نوشته‌های نیایشی و/ یا جادویی مانوی (و شاید هم در کتاب *غولان مانی*) نقش‌آفرینی کرده و با کدام هم‌اورد اهریمنی‌اش برآویخته باشد. یکی از قطعات پارتی به کشته‌شدن *غول دریایی لویاتین* (lwy'tyn) به دست فرشته *رفائیل* اشاره می‌کند. مقاله استدلال می‌کند که این *غول* باید همان «*غول دریایی*» باشد که مانی در باب او در فصل *چهل و چهارم کفالیای قبلی سخن* گفته است.

بنا بر مدارک اصیل این جستار، مانی که کتاب *غولان خویش* را بر اساس کتاب *غولان یهودی* (از اسناد *قمران* در کرانه‌های دریای مرده) نوشت، بی‌گمان با اسطوره‌های موطن خویش بابل و داستان طوفان و حماسه گیلگمش آشنا بوده است. به دلیل یادکرد اسناد *قمران* از گیلگمش بعید نیست او نیز در کتاب *غولان مانی* نقش‌آفرینی کرده باشد. در حقیقت، مقاله نشان می‌دهد که شخصیت‌های متون جادویی مانوی، چه فرشتگان و چه دیوان و *غولان*ش، به کتاب *غولان مانی* بسیار نزدیک‌اند. از این رو، برخی زوایای مبهم کتاب *غولان* که تحت تأثیر شدید کتاب *غولان* آرامی است، می‌تواند از طریق پاره‌دست‌نوشته‌های نیایشی و جادونوشته‌های مانوی تفسیر شود. مقاله آشکار می‌کند که در همه دست‌نویس‌های نیایشی و جادویی مانوی کلان‌فرشتگان مانوی همان نقشی را ایفا می‌کنند که مانی در کتاب *غولان خویش* در نظر گرفته بوده است. ما در اینجا استدلال کردیم که پادشاه افتخار در سرکوب *غولان* و *نفیل*‌ها و بنابراین احتمالاً در کتاب *غولان مانی* نقش ایفا کرده است.

#### کتابنامه

- Amuzgar, J. & Tafazzoli A. (1996). *Myth of Zoroaster's life*. Cheshme – Avishan [in Persian].
- Bahar, M. (1997). *A study on the Iranian mythology*. (K. Mazdapour, Ed.). Āgāh [in Persian].
- Berger, K. (1981), *Das Buch der Jubiläen. Jüdischen Schriften aus*

- hellenistisch-römischer Zeit* (Vol. 2/3). Gütersloh.
- Böhlig, A. (1966). *Manichäische handschriften der staatlichen Museen Berlin, Band 1: Kephalaia, 2. Hälfte*. W. Kohlhammer.
- Boyce, M. (1952). Some Parthian abecedarian hymns. *Bulletin of the school of oriental and african studies*, 14(3), 435–450  
<https://doi.org/10.1017/S0041977X0008842X>
- Boyce, M. (1975). *A reader in Manichaean middle Persian and Parthian*. *Acta Iranica* (Vol. 9a). Téhéran-Liège.
- Dalley, S. (1991). The Gilgamesh epic and Manichaean themes. *ARAM*, 3(1), 23-33.
- Doak, B. R. (2016). The giant in a thousand years. Tracing narratives of gigantism in the Hebrew Bible and beyond. In M. Goff, L. T. Stuckenbruck & E. Morano (Eds.), *Ancient tales of giants from Qumran and Turfan; Contexts, traditions, and influences*. (pp. 13-32). Mohr Siebeck.
- Durkin-Meisterernst, D. (2004). *Corpus fontium Manichaeorum, dictionary of Manichaean texts: Vol. 3*. In N. Sims-Wiliams (Ed.), *Texts from central Asia and Cina. Part 1. Dictionary of Manichaean middle Persian and Parthian*. Brepols.
- Durkin-Meisterernst, D. (Ed.). (2019). *Database of middle Persian and Parthian Manichaean Texts*. Retrived December 16, 2019, from [www.turfan.bbaw.de/dta/mirtext/wmirtext.html](http://www.turfan.bbaw.de/dta/mirtext/wmirtext.html)
- Dustkhāh, J. (Trans.). (2006), *Avesta: the ancient Iranian hymns & texts* (Vol. 2). Morvarid [in Persian].
- Funk, W.-P. (1999), *Kephalaia I, Zweite Hälfte* (Facs. 13/14). W. Kohlhammer GmbH.
- Funk, W.-P. (2000), *Kephalaia I, Zweite Hälfte* (Facs. 15/16). W. Kohlhammer GmbH.
- Gardner, I. (1995). *The kephalaia of the teacher. The edited coptic Manichaean texts in translation and commentary*. Brill.
- Gharib, B. (1995). *Sogdian dictionary; Sogdian-Persian-English*. Farhang Publications.
- Goff, M. (2009). Gilgamesh the giant: The Qumran book of giants' appropriation of Gilgamesh motifs. *Dead Sea Discoveries*, 16(2), pp. 221-253.
- Haloun, G., & Henning W. B. (1952). The compendium of the doctrines and styles of the teaching of Mani, the Buddha of light. *Asia Major*, 3(2), pp. 184-212.

- Hawkes, J. (2004). *Persian Bible dictionary*. Asātir. [In Persian].
- Henning, W. B. (1996). Exnux-nāme-ye Mānavi. (K. Jahandari Trans.). *Nāme-ye Farhangestān*, 5, 25-35 (Original work published 1977); [in Persian].
- Henning, W. B. (1934). Ein Manichäisches henochebuch. *Sitzungsberichte der Preußischen Akademie der Wissenschaften*, 5, pp. 27-35 [= *Selected Papers I*, 1977, pp. 341-348].
- Henning, W. B. (1942). Mani's last journey. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 10, pp. 941-953 [= *Selected Papers II*, 1977, pp. 81-93].
- Henning, W. B. (1943). The book of the giants. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 11, pp. 52-74 [= *Selected Papers II*, 1977, pp. 115-137].
- Hom.* (*Homilies*) → Polotsky 1934; Pedersen 2006
- Ibn Nadim, Mohammad b. Ishaq (2002). *Al-fihrest*. (M. R. Tajaddod, Trans.). Asātir [in Persian].
- Jub.* (*Book of Jubiees*) → Berger 1981
- IKeph.* (*IKephalaia*) → Introduction + chapt. 1-95 (pp. 1-244), in: Polotsky & Böhlig 1934-1940; chapt. 95-122 (pp. 244-291), in: Böhlig 1966 and Gardner 1995; chapt. 122-173 (pp. 291-440 [97-353]), in: Funk 1999-2000
- Kósa, G. (2011). Ecstatic flight and the realm of light – Changes in the estimation of Chinese Manichaeism as mirrored in its relationship with shamanism. *Ars Decorativa*, 23, 17-26.
- Kósa, G. (2013). Buddhist monsters in the Chinese Manichaean *Hymnscroll* and the Guanyin chapter of the *Lotus Sutra*. *The Eastern Buddhist New Series*, 44(1), 27-76.
- Kósa, G. (2016). The book of giants tradition in the Chinese Manichaica. In M. Goff, L. T. Stuckenbruck & E. Morano (Eds.). *Ancient tales of giants from Qumran and Turfan. Contexts, traditions, and influences*, (pp. 145-178). Mohr Siebeck.
- Kudara K., Sundermann W., & Yoshida, Y. (1997). *Iranian fragments from the Ōtani collection, Iranian fragments unearthed in central Asia by the Ōtani mission and kept at the Library of Ryūkyō University* (Vol. 1: Text & Vol. 2: Facsimilie). Hōzōkan.
- Lieu, S. N. C. (1999). *Manichaeism in Mesopotamia and the Roman East* (2<sup>nd</sup> ed.). Brill.



- MacKenzie, D. N. (1971). *A concise Pahlavi dictionary*. Oxford University Press.
- Meyer, M. (2013). The persistence of ritual in the magical book of Mary and the angels: (P. Heid. Inv. Kopt. 685). In A. D. DeConick, G. Shaw & J. D. Turner (Eds.), *Practicing Gnosis. ritual, magic, theurgy and liturgy in Nag Hammadi, Manichaeism and other ancient literature. Essays in honor of Birger A. Pearson* (pp. 359-376). Brill.
- Milik, J. T. (1971). Turfan et Qumran. Livre des Géants juif et manichéen. In G. Jeremias, H.-W. Kuhn & H. Stegemann (Eds.), *Tradition und Glaube: Das frühe Christentum in seiner Umwelt* (pp. 117-127). Vandenhoeck & Ruprecht.
- Milik, J. T. (Ed.). (1976). *The books of Enoch. Aramaic fragments of Qumran cave 4*. Clarendon Press.
- Mirfakhraee, M. (Ed. & Trans.). (1988). *Revāyat-e Pahlavi*. IHCS. [In Persian].
- Morano, E. (2004). Manichaean middle Iranian incantation texts from Turfan. In D. Durkin-Meisterernst et al. (Eds.), *Turfan revisited: The first century of research into the arts and cultures of the Silk Road*. (pp. 221-227). Reimer.
- Morano, E. (2011). New research on Mani's book of giants. In Z. Özertural & J. Wilkens (Eds.). *Der östliche Manichäismus. Gattungs- und Werkgeschichte, Vorträge des Göttinger Symposiums von 4.-5. März 2010*, Abhandlungen der Akademie der Wissenschaften zu Göttingen, neue Folge 17. (pp. 101-111). De Gruyter.
- Pedersen, N. A. (2006). *Corpus fontium Manichaeorum; Manichaean homilies. The Manichaean coptic papyri in the Chester Beatty Library*. Brepols.
- Pedersen, N. A. (2017). Observations on the book of the giants from Coptic and Syriac sources. In S. N. C. Lieu, E. Hunter, E. Morano & N. A. Pedersen (Eds.). *Manichaeism East and West: Proceedings for the eighth meeting of the international association of Manichaean studies* (pp. 185-202). Brepols.
- Pirtea, A. (2017). Is there an eclipse dragon in Manichaeism?: Some Problems Concerning the Origin and Function of āṭālyā in Manichaean sources. In E. TEAM (Ed.), *Zur lichten heimat: Studien zu Manichäismus, Iranistik und Zentralasienkunde im gedenken an Werner Sundermann. herausgegeben von einem team "Turfanforschung"* (pp. 535-554). Harrassowitz Verlag. <https://doi.org/10.2307/j.ctv11qdw34.46>

- Polotsky, H. J. (1934), *Manichäische handschriften der sammlung A. chester beatty, Band 1: Manichäische homilien*, mit einem Beitrag von H. Ibschler. W. Kohlhammer.
- Polotsky, H. J., & Böhlig, A. (1934-1940). *Manichäische handschriften der staatlichen Museen Berlin, Band 1: Kephalaia, 1. Häfte*. W. Kohlhammer.
- Reed, A. Y. (2005). *Fallen angels and the history of Judaism and Christianity, The Reception of Enochic Literature*. Cambridge University Press.
- Reeves, L. C. (1992). *Jewish lore in Manichaeon cosmogony, Studies in the book of giants traditions*. Hebrew Union College Press.
- Reeves, L. C. (1996). Utnapishtim in the book of giants. *Journal of Biblical Literature*, 112, 110-115.
- Reeves, L. C. (2011). *Prolegomena to a history of Islamicate Manichaeism*. Equinox Publishing Ltd.
- Schwartz, M. (2002). Qumran, Turfan, Arabic magic, And Noah's name. In R. Gyselen (Ed.), *Res orientales 14. charmes et sortilèges Magie et Magiciens* (pp. 231-238). Peeters.
- Shaked, Sh., Ford, J. N., & Bhayro, S. (2013). *Aramaic bowl spells. Jewish Babylonian Aramaic bowls* (Vol. 1, with contributions from M. Morgenstern & N. Vilozy). Brill.
- Sims-Williams, N., & Durkin-Meisterernst, D. (2012). *Corpus Fontium Manichaeorum, Dictionary of Manichaeon Texts: Vol. III/2. Texts from Central Asia and China (Texts in Sogdian and Bactrian)*. Brepols.
- Skjærvø, P. O. (1987). Aždahā, in old and middle Iranian. *Encyclopædia Iranica* (vol. 3/ 2, pp. 191-199). An updated version is available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/azdaha-dragon-various-kinds> (last updated: August 18, 2011)
- Skjærvø, P. O. (1995). Iranian epic and the Manichaeon "Book of Giants" Irano-Manichaica III. *Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hungaricae*, 48(1/2), 187-223. <http://www.jstor.org/stable/43391216>
- Smith, G. (2004). *Epic of Gilgamesh*. (G. Burkhardt Trans. into German; D. Monshizadeh Trans. into Persian). Akhtarān. (Original work published 1872). [In Persian].
- Stuckenbruck, L. T (1997). The throne-theophany of the book of giants: Some new light on the background of Daniel 7. In S. E. Porter, & C. A.

- Evans (Eds.). *The scrolls and the scriptures: Qumran fifty years after* (pp. 211-220). Sheffield academic press.
- Sundermann, W. (1973). *Mittelpersische und parthische kosmogonische und Parabeltexte der Manichäer. Mit einigen Bemerkungen zu Motiven der Parabeltexte von Fredmar Geissler*. Akademie-Verlag.
- Sundermann, W. (1979). Namen von göttern, Dämonen und menschen in iranischen versionen des manichäischen mythos. *Altorientalische Forschungen*, 6(JG), 95-133. <https://doi.org/10.1524/afo.1979.6.jg.95>
- Sundermann, W. (1984). Ein weiteres fragment aus Manis gigantenbuch. *Orientalia J. Duchesne-Guillemain emerito oblata* (pp. 491-505). Brill.
- Sundermann, W. (1994). Mani's 'book of the giants' and the Jewish books of Enoch: A case of terminological differences and what it implies. In Sh. Shaked & A. Netzer (Eds.). *Irano-Judaica: Vol 3. Studies relating to Jewish contacts with Persian culture throughout the ages* (pp. 40-48). Ben-Zvi Institute for the Study of Jewish Communities in the East.
- Sundermann, W. (2001). The book of giants. *Encyclopædia Iranica* (vol. 10/6, pp. 592-594). An updated version is available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/giants-the-book-of> (last updated: February 9, 2012).
- Sundermann, W., & Reck C. (1997 [1998]). Ein illustrierter mittelpersischer manichäischer Omen-Text aus Turfan. *Zentralasiatische Studien* (Vol. 27, pp. 7-23). O. Harrassowitz.
- Taqizadeh, S. H. (1956). *Mani and his teachings*. Anjoman-e Irānšenāsi. [In Persian].
- Widengren, G. (1997). *Māni and Mānichaeism*. (N. Safa Isfahani, Trans.). Nashr-e Markaz (Original work published 1965). [In Persian].